

میدون و سوفیا

مسئله اصلی در کشور



► **پوریا عالمی**

- سلام سوفیا.

«اداره کل آموزش‌وپرورش آذربایجان‌غربی با صدور اطلاعیه‌ای رقص مختلط کردی دانش‌آموزان و معلم‌ها در یک مدرسه غیرولتی شهرستان مهاباد را تأیید کرد و ضمن ابراز تأسف از این اتفاق از برخورد انضباطی با هنجارشکنان خبر داد».

باو:او.خ. واقعا آدم اشکش درمید.

-اداره کل آموزش‌وپرورش آذربایجان‌غربی اطلاعیه داده است: «متأسفانه در اردیبهشت‌ماه امسال و قبل از ماه مبارک رمضان، مسئولان یکی از مدارس غیرولتی شهرستان مهاباد جشنی را برپا نموده بودند که به‌محض اطلاع در زمان یادشده اداره آموزش‌وپرورش شهرستان مذکور با هماهنگی اداره کل آموزش‌وپرورش ضمن شناسایی افراد خاطی برخورد قانونی را متناسب با وضعیت خدمتی هر یک از نیروهای شغال در واحد آموزشی انجام داده است».

می‌بینی من واقعا دیگر حرفی ندارم؛ یعنی اصلا ما برای چی حرف می‌زنیم؟ ما مردم عادی فکر می‌کنیم مسئله نان شب است و گرانی نان و گوشت، ولی آن‌طور که مسئولان می‌گویند، مسئله اصلی کشور این است که بچه‌ها توی مدرسه چکار می‌کنند. والسلاام.

قصه های شهر

گفتان زنانه در شهر



► **گیتی منفرزاده**

● بیشتر اوقات وقتی داخل شهری در حال قدم‌زدن هستم، به این فکر می‌کنم که چقدر در این شهر گفتان زنانه وجود دارد. منظورم از گفتان زنانه آن تصویر رایج جمع‌شدن زنان دور هم و حرف‌زدن از همه چیز (از زایمان زودهنگام یکی از دوستان تا تأثیر وضعیت اقتصادی بر خرید طلا) نیست که البته گویا دانشمندان جدیداً ثابت کرده‌اند که این نوع گفت‌وگوهای زنانه علت اصلی طول عمر خانم‌ها و بهترشدن روحیه‌شان است! منظورم ایجاد آن فضایی است که در آن حضور زنانه و البته حقوق زنانه وجود داشته باشد. مثلاً وقتی وارد اداره‌ای می‌شوم و سراغ میز مسئول مربوطه می‌روم و با میزی مرتب و تمیز مواجه می‌شوم که کنارش یک کلدان کوچک هم گذاشته شده، می‌فهمم که با یک فضا و سلیقه زنانه طرف هستم که همان چند لحظه حضورم را برای انجام کار دلپذیرتر می‌کند. ممکن است شما (براساس سبازی دیگر از تفکرات غالب) بگویید ولی معمولاً زنان کار آدم را به همان دلپذیری می‌زشان راه نمی‌اندازند یا طبق آن مثل معروف زن‌ها بدترنیم هستند، براه هم نمی‌گویند، اما وقتی به علتش فکر می‌کنم یاد حرف اقایلی می‌افتم که همین چند روز پیش شنونده‌اش بدم و می‌گفت نمی‌دارم همسرم وادطلب کار نمایندگی محله‌مان شود چون می‌دانم آن‌قدر در شهرداری و ادارات مربوطه او را سر می‌دانند و برخورد‌های درشت و تحقیرآمیز می‌کنند که خسته و بی‌اعصاب می‌شود. این ماجرا‌ها فقط مربوط به شهرهای بزرگ نیست. پایتان را از تهران بیرون بگذارید و به جنوبی‌ترین بخش ایران بروید؛ جزیره هنگام، سال ۹۵ سفری به آنجا داشتم و گزارشی در نشریه پرند آبی چاپ کردم. هنگام پر از زنان ماهیگیری است که کار اصلی اقتصادی آنجا را انجام می‌دهند و دخترانی که از همان کودکی با شور و شوق فراوان کنار مادرانشان ماهیگیری یاد می‌گیرند اما به کار آنها مجوز رسمی داده نمی‌شود و حتی از بیمه خطرات این کار هم برخوردار نیستند چون ماهیگیری کاری مردانه به حساب می‌آید، حتی اگر در واقعیت زنان این کار را بکنند؛ همین چند روز پیش خبری خواندم درباره افزایش سیل مهاجرت زنان به شهرهای بزرگ به‌خصوص تهران؛ زانی که به علت طلاق یا ازدست‌دادن همسر و برای به‌دست‌آوردن فرصت درآمد بیشتر به شهرهای بزرگ می‌آیند که به نظر در آنجا فرصت‌های شغلی بیشتری برایشان فراهم است. کسی برای مسکن این زنان، به مسائل بهداشتی‌شان، به آن بخش از شرایط روحی- روانی‌شان که باید در رفت‌وآمدهای روزانه و فضا‌های غالب مردانه بگذرد، فکری کرده است؟ یک بار دیگر به شهرتان نگاه کنید؛ در ساختارهای قدرت‌ش، ق‌رم شهری‌اش، مکان‌های بازتولید اجتماعی‌اش، حتی خانه‌هایش که هنوز اصلی‌ترین و مهم‌ترین مرکز حضور زنان هستند، چقدر به حضور زنان بها داده شده است؟ تا این لحظه می‌دانم که هم همسر آن آقا داوطلب نمایندگی محله‌شان شده و هم زنان جزیره هنگام هنوز ماهیگیری می‌کنند، چون خوشبختانه گفت‌وگوی زنانه هیچ‌وقت خاموش نمی‌شود، تا روزی که تبدیل به گفتان زنانه شود.

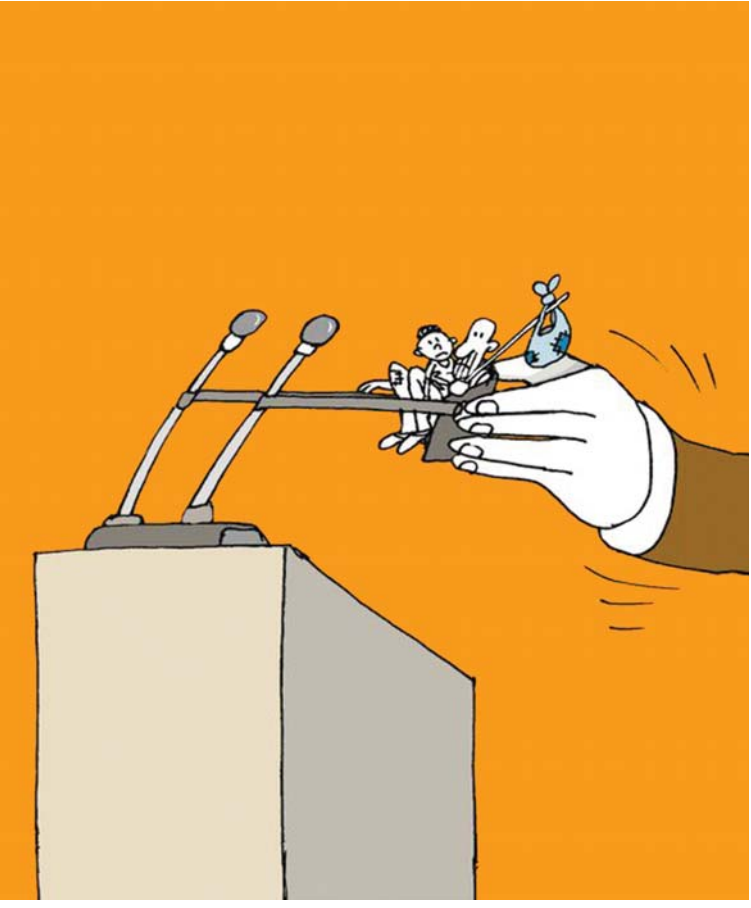
شترت روزنامه

چهارشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۸
۲۳ رمضان ۱۴۴۰
۲۹ می ۲۰۱۹
سال شانزدهم
شماره ۳۴۳۹
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲
اذان مغرب ۲۰:۳۳
اذان صبح فردا ۴:۰۸
طلوع آفتاب ۵:۵۱

روزنفرها

کار تون خواب

آلفردو مار تیرنا



قلم سبز

داستان یک سد-۲

ائتلاف برای زندگی ماهی‌ها

می‌شد. سرانجام تخریب سد ادواردز در جولای ۱۹۹۹ به شانس‌ی برای آکوستا در راستای بازسازی ارتباطش با رودخانه تبدیل شد. مردم آکوستا مانند بسیاری از شهرهای نیواگلند در آن دوران، بیش از صد سال به رودخانه پشت کرده بودند. اما اینک در روز تخریب سد جشن گرفته و تی‌شرت‌های یادگاری به تن کرده و به علاقه‌مندان می‌فروختند. به محض اینکه سد تخریب شد، رودخانه جان گرفت. ماهی‌ها فوراً به زیستگاهی به‌طول ۱۸ مایل بیشتر دسترسی پیدا کردند. ماهی‌های خاویار آتلانتیک از محل سابق سد عبور کردند و به‌زودی نیز شاه‌ماهی پشت‌کوب به رودخانه بازگشت. در عرض یک سال می‌شد فک‌ها را دید که شاه‌ماهی‌ها را تعقیب می‌کنند و با شاه‌ماهی‌ها همه جانورانی که از آنها تغذیه می‌کردند- سمورهای آبی، خرس‌ها، مینک‌ها، عقاب‌های سرسفید، عقاب‌های ماهیگیر و حواصیل‌های آبی- نیز بازگشتند. اما بهترین نشانه برای احیای اکوسیستم، افزایش حشرات آ‌بزی مانند یک‌روزه‌ها و بهاره‌ها بودند که نشانی از بهبودی سد داشت اما تعطیل‌کردن یک سد برقایی در حال کار به‌خاطر ماهی‌ها تاکنون در ایالات متحده آمریکا سابقه نداشت. از همین رو، نخست کمیسیون فدرال انرژی پیشنهاد خود را مبنی بر تجدید مجوز سد اعلام کرد.



هزینه خواهد داشت- اما سرانجام در سال ۱۹۹۷ پس از افزایش فشار مخالفان سدسازی و ارائه استدلال‌های فنی در هفت‌هزار برگه، کمیسیون فدرال انرژی به رد تمدید مجوز رای داد و دستور تخریب سد را صادر کرد. فعالان کمپین تخریب سد از خود بیخود شده بودند، درحالی‌که صاحبان سد در سراسر کشور شوکه شدند! این نخستین‌بار بود که کمیسیون از قدرت خود برای رد مجوز برخلاف خواسته صاحبان سد استفاده می‌کرد. این تنها حکم کمیسیون نبود که پیشگامانه محسوب می‌شد، بلکه نیز نخستین‌بار بود که یک سد روی جریان اصلی یک رودخانه و نه روی شاخه کوچک‌تری از آن برداشته

فریدون مجلسی

اگر دیگران ندانند، ما که از نزدیک مژه جنگ را چشیده‌ایم حق داریم از جنگ بیزار باشیم. بعد از نزدیک به ۴۰ سال هنوز از صدای ضربه‌ای به خود می‌لرزیم و درمی‌یابیم که آثار شوک آن انفجارهای شوم صدامی هنوز هم در ژرفای روح ما جنگ‌دیدگان باقی است، جنگ‌کردگان که جای خود دارند. ما در منطقه بدی زندگی می‌کنیم. وقتی تاریخ را می‌خوانیم فقط تاریخ شاهان نیست، تاریخ جنگ‌هاست. بیش از سه‌هزار سال است که آثار باستانی دلالت بر وجود دیوان و دولت در این نواحی داشته و بیش از سه‌هزار سال است که همین آثار حکایت از جنگ مدام داشته است. در اندک دوره‌های تنفس تمدن‌ها شگفته‌اند و هنر و معماری کولاک کرده و جنگی دیگر به تاراج برده و سوزانده و ویران کرده است تا تنفسی دیگر.

تا چند قرن پیش این همسایگان دور و نزدیک بودند که به یکدیگر هجوم می‌آوردند و بیشترین مسافت‌ها را مغولان درنوردیدند. اما از اواخر قرن ۱۵ میلادی که اروپاییان به دریانوردی روی آوردند، جنگ‌ها را به موارای دریا‌ها کشاندند و زدوخورد و چپاول به ماندگاری و ستم‌پیشگی اربابانه بدل شد. اما گرچه آن دوران نیز تا حد امکان به‌سر آمد، اما توسعه علم و صنعت بسر ابزار جنگی نیز اثر گذاشت و آن را کشنده‌تر کرد و کوبی منطقه ما را به عرصه آزمون سلاح‌های سوزنده بدل کرد. نمی‌شود همیشه دیگران را سرزنش کرد. اگر منصف باشیم، ضمن درک موهبت صلح و آرامش،

خطرات یک روزنامه‌نگار- پایان

مداخله سیاست در فضا



► **اکبر قر اخانی بهار**

وقتی تلسکوپ را به خانه بردم آن را در بالکن خانه «بریا» کردم. سپس شروع کردیم به جست‌وجوی نقاط دوردست اطراف. در چشم‌انداز بالکن، شهرک در دست ساخت موسوم به «دهکده المپیک» قرار داشت. وقتی در زمان‌های مختلف نگاه می‌کردیم، همیشه در حال کار بودند تا کارها را بسر موقع تمام کنند. این شهرک ورزشی بعداً محل برگزاری بازی‌های آسیایی در سال ۱۳۵۳ شد. متأسفانه شب‌ها به‌دلیل نورهای مزاحم شهری در تهران، نمی‌توانستیم از آن برای دیدن آسمان استفاده کنیم. این بود که لحظه‌شماری می‌کردم تا تابستان بیاید و آن را به شهرستان بیرم.



تلسکوپ در پشتبام خانه دوطبقه قدیمی

وقتی آن را به شهرستان بردم برخی از دوستان و آشنایان شب‌ها مرا به شام دعوت و خواهش می‌کردند که تلسکوپ را نیز با خود ببرم. ابتدا تلسکوپ را در پشت‌بام برپا می‌کردیم. بعد از نوجوان گرفته تا سالخورده برای دیدن ماه و ستارگان به نوبت به پشت‌بام می‌آمدند. در سال‌های آغازین دهه ۱۳۵۰ جوی به‌شدت سیاسی بین جوانان اهل فکر و فرهنگ و به‌خصوص دانش‌جویان دانشگاه‌ها به وجود آمده بود. این سال‌ها همچنین مقارن با فعالیت‌های حوسمی-ارشاد و سخنرانی‌های معروف مرحوم «علی شریعتی» در آنجا بود. این وضع البته دامن مجله فضا و کانون را به‌صورت برعکس و از سویی دیگر گرفته بود، به‌طوری‌که در سال‌های مابنی ۱۳۵۰، مجله با بحران مالی روبه‌رو شد و دیگر امکان ادامه آن وجود نداشت. برای تداوم کار مجبور بودیم بخشی از کارها (از جمله تهیه بیشتر مطالب) را خودمان انجام دهیم. این «وضعیت کج‌دار و مریز» تا پایان سال ۱۳۵۷ ادامه پیدا کرد و سپس بعد از نزدیک به ۱۵ سال فعالیت متوقف شد.

اطلاعیه پایان تعطیلات تابستانی و شروع مجدد برنامه‌ها

پشت تاریخ

چرا صلح بهتر است؟

وسوسه‌ای از سستیز نیز در دل انسان‌ها وجود دارد. هیتلر برای آرمانی برتری‌جویانه و به نظر خود مقدس می‌جنگید، استالین نیز برای آرمان خود؛ یعنی آزادی و اتحاد زحمتکشان جهان قداست قائل بود، موسولینی می‌خواست شکوه امپراتوری روم را بازگرداند. انسان‌ها نیز به هیجان می‌آیند و آن‌وقت سخن از صلح دشوار می‌شود.
رواقع نیاز انسان‌ها بی‌پایان است. جمعیت فزونی می‌یابد و منافع کاهش؛ این خود بر رقابت‌ها و مناقشات می‌افزاید. بشر با توسعه فرهنگی تمدن‌تر می‌شود و نیاز به وسایل آسایش‌بخش خانگی عمومی‌تر می‌شود. همه مسکن و وسایل زندگی برای آسایش بیشتر می‌خواهند. دیگر نمی‌خواهند روی زمین بنشینند. دیگر اتومبیل و ماشین رختشویی و یخچال برقی تجملاتی اعیانی به شمار نمی‌رود. توانایی یا ناتوانی در برآوردن این نیازها می‌تواند یاس‌آور و مایه رکود و نمایش فقر شود و می‌تواند بر تولید و اشتغال و عرضه برای رفع نیازها و تقاضاهای موجود در بازار بیفزاید. بستگی دارد به اینکه دولت‌ها اولویت‌هایشان را بر چه پایه‌ای قرار دهند.

سیل اخیر در ایران نشان داد که چه نیازها و برنامه‌های ایمن‌سازی بزرگی برای تنظیم، ساحل‌سازی، تراس‌بندی، آبخیزداری و درخت‌کاری، خصوصاً در دره‌ها و مسیل‌ها و رودخانه‌های نزدیک‌تر به شهرها باید انجام شود. کمبود آب و افزایش نیاز به محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که چگونه کشت در کشوری خشک مانند ایران باید به زیر پوشش گلخانه‌ای برود که از سقف مجهز به پنل‌های خورشیدی و در درون مجهز به امکانات آبیاری و کنترل حرارت و رطوبت و کشت متونع ۱۲ ماهه با مصرف کمتر آب و محصول بیشتر باشد. چگونه

واکنش

امیدواری قربانیان اسیدپاشی به وضع قوانین تازه

مرتضی سلیمی - **وکیل پایه یک دادگستری**

مثنی داشته باشد. به‌علاوه، در طرح مزبور، مجازات شروع به جرم اسیدپاشی تا دو برابر قانون فعلی تشدید شده و مقرراتی نیز درباره مجازات معاونت در ارتکاب اسیدپاشی پیش‌بینی شده است که زمینه پیشگیری کیفری از جرم اسیدپاشی را فراهم خواهد کرد. تسریع و کوتاه‌شدن رسیدگی به پرونده‌های اسیدپاشی به مراجع قضائی از طریق پیش‌بینی رسیدگی خارج از نوبت، عدم امکان استفاده بزهارک از نهادهای ارفاقی (مانند تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، تخفیف مجازات، آزادی مشروط)، اعمال مجازات بر بزهکار حتی در فرض فقدان شاکی یا گذشت او یا عدم قصاص به هر عنوان، پیش‌بینی امکان جبران دیه صدمات وارده به مجازات‌دین یکی از مواردی که به علت میرک، فرار، عدم شناسایی مرتکب امکان دسترسی به او ممکن نباشد و پیش‌بینی امکان جبران همه خسارات مادی و معنوی مجنی‌علیه‌اعم از هزینه‌های درمان و مشکلات اقتصادی در طول درمان، از مهم‌ترین نوآوری‌های «طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» است. البته این طرح با وجود محسنات و نقاط قوتی که دارد، همچنان با برخی نقایص؛ نظیر توجه‌نکردن به پیشگیری غیرکیفری (مانند توجه‌نکردن به ترویج فرهنگ مبارزه با خشونت و اسیدپاشی از طریق دانشگاه‌ها و رسانه‌ها)، توجه‌نکردن به راهکارهایی برای مبارزه با تهدیدات اسیدپاش، عدم پیش‌بینی ضوابط قانونی برای خرید و فروش اسید و محدودکردن دسترسی آسان به اسید، عدم پیش‌بینی راهکاری برای جبران نقاضل دیه در مواردی که قربانی حادثه زن بوده، عدم امکان اجرای قصاص در بسیاری از پرونده‌های اسیدپاشی از سوی پزشکی قانونی مواجه است که امید می‌رود با پیگیری انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی و همت نمایندگان مجلس و همکاری شورای نگهبان، ایرادات مزبور در زمان بررسی جزئیات و رأی‌گیری مجدد طرح مرتفع شود.

پی‌نوشت:
۱- acid-۱

۲- ر. که به دکتر آقایی‌نیا، حسین، (۱۳۸۶)، حقوق کیفری اختصاصی: جرائم علیه اشخاص: جنایات، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان، ص ۳۱۰.
۳- ر. که به روزنامه رسمی، شماره ۴۱۴۵، مورخ ۱۳۳۸/۱۲/۱۶.
۴- جمله نهاده‌ها و سازمان‌های غیردولتی حمایتی، از جمله تدابیر خاصی است که می‌تواند سهمی مهم در حمایت از بزه‌دیدگان اسیدپاشی داشته باشد. در برخی از کشورهای جهان به همت پزشکان، وکل‌ا، روزنامه‌نگاران و قلمبئیست‌ها انجمن‌هایی برای حمایت از قربانیان اسیدپاشی تأسیس شده (ر. که به رایجیان اصلی، مهرداد، تحلیل بزه‌دیده‌شاسانه اسیدپاشی با نگاهی نو به پرونده آمنه بهرامی‌نوا، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۲، ص ۲۹، پاورقی شماره ۲) که خوشبختانه این‌انجمن در ایران در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۸ به شماره ثبت ۴۱۴۲۱ به همت برخی هنرمندان، پزشکان و قربانیان تأسیس شده است.